

دکتر سیروس شفق

دانشگاه اصفهان

شماره مقاله: ۴۵۱

## نقش بازار در ساختار فضایی شهرهای اسلامی<sup>۱</sup>

Dr. S. Shafaghi

University of Esfahan

### The Role of Bazaar in the Spatial Structur of Islamic Cities

"The study of the structural and Spacial formation of the Bazaar in Isfahan" is a research project in the University of Isfahan.

This article is, in fact, an itroduction to the importance of the Bazaar and its geographical justification in the Islamic cities.

Bszaars in the traditional towns all over the Isfamic world are considered as a unique phenomenon dis-tinguishing them from all other of the world. In the Islamic towns, bazaars are the centre of economy, and they impart an impartant cultural, political and religious role to society. They are of great importance to the backbone and structure of towns, and are of great interest to reserchers. Moreover, bazaars are the urban areas where Western culture has least peneterated so far.

۱- در دانشگاه اصفهان طرح پژوهشی «تحلیل فضایی - کالبدی بازار اصفهان» در دست تحقیق و اجراست. این مقاله مقدمه‌ای در بیان ارزش بازار در شهرهای اسلامی و توجه هر چه بیشتر اهمیت جغرافیایی آن در این شهرهاست. کوشش مجری طرح بر این است که نتایج طرح مزبور بطور مستمر در این فصلنامه به صورت مقالات پژوهشی درج شود.



## مقدمه

محققان در پژوهشهای نوین جغرافیایی شهرهای اسلامی به بازار توجه خاصی دارند. شهرهای سنتی در مناطق اسلامی - شرقی دارای ویژگیهای منحصر به فردی است که آنها را از شهرهای دیگر دنیا جدا می‌کند. بازار به منزله مرکز مهم اقتصادی شهرهای اسلامی بیش از عوامل جغرافیایی دیگر شایان توجه است. نفوذ معماری غربی قرن بیستم در ساخت و بافت شهرهای اسلامی بسیار چشمگیر است، لکن بازار شهرهای اسلامی تنها منطقه شهری است که در برابر این هجوم استقامت کرده، دارای شیوه‌های معماری و ساختار مکانی خاصی است و در کالبد شهرهای اسلامی، نقش بسیار مهمی به عهده دارد. از نظر اقتصادی، بازار شهرهای اسلامی در برابر نفوذ اقتصادی غرب بسیار مقاوم بوده و هنوز سنن قدیم اقتصادی بر بازار شهرهای اسلامی حاکم است. در واقع بازار شهرهای اسلامی باید به منزله یک واحد و نظام اجتماعی - اقتصادی و مذهبی مطالعه شود که با ملایمت، بطور بنسب بطنی و با تحرکی شگفت‌انگیزی، خود را با تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی قرن بیستم تطبیق داده است<sup>۱</sup>.

نویسندگان خارجی و داخلی درباره بازار از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی مطالعه نموده‌اند، اما از نظر ساختار فضایی، توجه کمتری بدان داشته‌اند. در بین محققین علوم مختلف، جغرافی دانان بیش از دیگران به بررسی همه جانبه آن پرداخته‌اند. همکاری علمی باستان‌شناسان، ایران‌شناسان، اسلام‌شناسان، دانشمندان تاریخ هنر، معماران، شهرسازان و در این اواخر برنامه‌ریزان شهری منجر به انتشار منابعی در این زمینه شده است. این پژوهشگران در نوشته‌های خود، تصویری از سبک معماری و تزئینات ساختمانهای بازار، ترسیم نموده‌اند؛ اما به نقش کالبدی و عملکردی آن در مراکز شهرهای اسلامی - شرقی، کمتر توجه داشته‌اند.

## پیشینه مطالعه

از مراکز علمی که درباره بازار، مطالعات جغرافیایی مفیدی انجام داده‌اند، دانشگاه

2-E. Wirth, "Strukturwandlungen und Entwicklungstendenzen der orientalischen Stadt", Erdkunde, pp. 101-128, 1968.



ارلانگن<sup>۳</sup>، دورهام<sup>۴</sup>، کلن، آریزونا، بن و وین را می توان نام برد. در دانشگاه ارلانگن استاد و مدیر گروه سابق جغرافیا، آقای پروفیسور اویگن ویرت<sup>۵</sup> را می توان نام برد که مقالات باارزش ایشان درباره شهرهای اسلامی و بویژه کتاب بازار اصفهان او بسیار اهمیت دارد. البته کمی پیش از ویرت، مطالعات روبرت مایر<sup>۶</sup> درباره استانبول در سال ۱۹۴۳ (۱۳۶۲ ه. ق.) یا مقاله کنراد ویشه<sup>۷</sup> درباره شهرهای مراکش در سال ۱۹۵۷ (۱۳۶۷ ه. ق.) در خور ذکر است، ویشه در مطالعات جغرافیایی خود به رابطه شهر و حومه توجه خاصی داشته و به بحث اقتصادی درباره شهرهای خاورمیانه و عملکرد آن پرداخته است. در دانشگاه دورهام نیز مطالعات قابل توجهی انجام شده است، کلارک<sup>۸</sup> درباره شیراز ۱۹۶۲ م. (۱۳۸۳ ه. ق.)، بلیک<sup>۹</sup> درباره شهر مصراته در لیبی ۱۹۶۹ (۱۳۸۹ ه. ق.) و کار مشترک این دو جغرافی دان درباره کرمانشاه ۱۹۶۹ (۱۳۸۹ ه. ق.) و تحقیقات هاگر<sup>۱۰</sup> راجع به آمان ۱۹۶۹ م. (۱۳۸۹ ه. ق.) بسیار باارزش هستند.

در بین محققان بازار، نام محمد شرابی آورده شده است، این نویسنده عرب با نگارش کتابی به زبان آلمانی تحت عنوان «بازار» مطالعه عمیقی را در بازار شهرهای اسلامی آغاز نموده است که از اهمیت خاصی برخوردار است<sup>۱۱</sup>. از نویسندگان و محققان ایرانی محمدرضا اولیاء درباره «ساختار فضایی بازار»، حسین سلطانزاده «شهر سازی و معماری بازارهای ایران» و منصور اتحادیه «بازار تهران» را مطالعه کرده اند و بالاخره در سالهای اخیر احمد پورا احمد کار با ارزشی را درباره بازار کرمان به انجام داده است.

## واژه بازار

واژه بازار در زبان پهلوی واچار<sup>۱۲</sup> و در فارسی میانه وازار<sup>۱۳</sup> و در پارسی هخامنشی

3- Erlangen 4- Durham 5- Eugen Wirth 6- Robert Mayer

7- Konrad Wische 8- J. J. Klark 9- G. H. Blacke 10- M. J. Haker

11-M. Scharabi, "Der Bazar, Des traditionelle stadtzentrum in Nahen Osten und seine

Handelseinrichtungen", Tubingen, 1985. 12- Wāčar 13- Wāzâr



آباکاری<sup>۱۴</sup>، مرکب از آبا<sup>۱۵</sup> به معنی محل اجتماع و کاری<sup>۱۶</sup> به معنی چریدن و گردیدن است<sup>۱۷</sup>. پسوند زار در فارسی میانه و فارسی دری مجموعاً به معنی جایگاه داد و ستد است. در گویش گیلکی واکار<sup>۱۸</sup> و باچار<sup>۱۹</sup>، فریزندی باچار<sup>۲۰</sup>، نطنزی واکار<sup>۲۱</sup>، سمنانی و سنگسری و اجار<sup>۲۲</sup> و در گویش شهمیرزادی باچار<sup>۲۳</sup> است. واژه بازار در بیشتر زبانهای اروپایی مانند فرانسه، انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی و روسی از پرتغالی گرفته شده و پرتغالی‌ها این لغت را از ایرانیان گرفته‌اند<sup>۲۴</sup> و چنانکه مطالعه شد یک واژه فارسی است که در قرون وسطی به دلیل ارتباط پرتغالی با ایرانیان، این لغت را در منابع و مآخذ تاریخی خویش به کار بردند، این لغت از زبان پرتغالی به دیگر زبانهای اروپایی راه یافت و اکنون در بیشتر ممالک آسیایی و اروپایی به کار می‌رود.

در ترکیه بازار را چارشی<sup>۲۵</sup> گویند. این اصطلاح تنها در این سرزمین بکار برده می‌شود. این لغت نه تنها به بازارهای سنتی مسقف، بلکه به مراکز خرید و فروشی که امکان اقامت شبانه ندارد نیز اطلاق می‌گردد.

در ممالک غرب زبان، بازار را سوق می‌گویند که به معنی خیابان است. سوق از زبان بابلی قدیم به یادگار مانده است. جمع آن سوقات است که در دوران بابلی میانه سوقاکو<sup>۲۶</sup> یعنی کوچه و جمع آن سوقاقاتو<sup>۲۷</sup> به کار برده شده است. این دو اصطلاح مشتق از فعل ساکو یا سیاکو و به معنی تنگ بودن است. سوق یک واژه عربی است و به معنی میدان فروش است. بعضی از دانشمندان، مثل فراتکل اصطلاح سوق را یک واژه آرامی می‌دانند. در هر حال این واژه در منابع قرون وسطی به خیابانهایی اطلاق می‌شده است که دارای دکانهای خرید و فروش و محل تولید دستی بود.

واژه بازار علاوه بر این که به کل بخش جغرافیایی شهر اطلاق می‌شود به رسته‌های آن نیز

14- Abâcârî

15- aba

16- cari

۱۷- جمس دار مستتر، تبعات ایرانی، جلد دوم، ص ۱۳۱-۱۲۹.

18- Wâcâr

19- Bâjâr

20- Bâjâr

21- Wâcâr

22- Wâjâr

23- Bajar

۲۴- بروهان قاطع، با تصحیح دکتر محمد معین، جلد اول، ص ۲۱۸.

25- čarši

۲۶- Sugagu این واژه در زبان ترکی استانبولی کوچه گفته می‌شود.

27- Sugagatu



گفته می‌شود. این اسامی گاهی از نوع فعالیت‌های صنفی آن نشأت می‌گیرد، مانند بازار زین‌سازها، بازار کف‌شوها، بازار زرگرها، بازار تفنگ‌سازها، بازار کلاه‌دوزان و غیره و گاهی به نام بانی آن خوانده می‌شود مانند بازار وکیل شیراز، بازار شاه اصفهان و بازار امیر تبریز و زمانی نیز صفات کالبدی در نام‌گذاری آنها مؤثر است، مانند بازار بزرگ و یا بازارچه بلند اصفهان.

واژه قیصریه در سرزمین‌های اسلامی به کار برده می‌شود و به مراکز خرید و فروش و ساخت صنایع دستی‌ای اطلاق می‌گردد که امکان اقامت شبانه در آن نباشد. این لغت از زبان یونانی گرفته شده و به معنی شاهانه است. این اصطلاح در ممالک عربی و ایران از قرون وسطی داخل فرهنگ بازار شده است و امروزه نیز به کار می‌رود.

در ترکیه واژه آراستاکی<sup>۲۸</sup> که به معنی سقف است، به معابر مسقفی که طرفین آن دارای دکان‌هایی باشد گفته می‌شود مانند سپاهی آراستاسی در شهر بورسا (ترکیه). این واژه در زبان فارسی به صورت رسته یا راسته درآمده است، مانند رسته‌های بازار، راسته بازار در تبریز نیز از این واژه گرفته شده است.

تیمچه واژه فارسی است و از دو کلمه «تیم» به معنی میدان خرید یا سرای کوچک و «چه» پسوند تصغیر ترکیب شده است. در داخل تیمچه، دکان‌های عمده فروشی و خرده‌فروشی بدون انبار کالاها وجود دارد که این اصطلاح تنها در ایران به کار برده می‌شود<sup>۲۹</sup>.

واژه بدستان به بناهایی اطلاق می‌شد که تجارت بین‌المللی در آنها صورت می‌گرفت، به خصوص در شهرهای الجزیره، قاهره، دمشق و حلب و وجود بدستان تأیید شده است. این مراکز اقتصادی را عثمانیها بیشتر در جوار مسجد جامع و در کنار محله یهودی‌نشین شهرها بنا می‌کردند، که کارکرد آن بی‌شبهت به قیصریه نبود. این مراکز اقتصادی گاهی به صورت یک گذرگاه بوده و زمانی بخش وسیعی را به خود اختصاص می‌داده است. در این مکان، خرید و فروش کالاهای گران‌قیمت صورت می‌گرفت؛ مانند پارچه که تجارت آن در یک بخش بازار متمرکز می‌شد. به همین دلیل در ورودی یا خروجی آنها را در هنگام شب می‌بستند.

28- arastac

29-S. Schafaghi, *Die Stadt Tabriz und Ihr Hinterland*, Diss, Universität Köln, S. 95, 1965.



## تأثیر آب و هوا در کالبد بازار

به جز عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دینی، عوامل آب و هوایی نیز در شکل‌گیری کالبدی و پیدایش بازار نقش مؤثری داشته‌است و اصولاً بین اقلیم و ساخت کالبدی شهرهای اسلامی رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد.

خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر آب و هوا، بر روی کمربند صحاری نیمکره شمالی واقع شده‌است و اقلیمی گرم و خشک دارد. قسمت وسیعی از این منطقه که در کنار دریای مدیترانه قرار گرفته است؛ آب و هوای مدیترانه‌ای دارد و هر قدر از سواحل دریا به طرف مناطق قاره‌ای پیش رویم، دارای اقلیم خشک و بری است. گرمترین ماههای سال، دارای درجه حرارت بالا و بسیار خشک و سردترین ماههای سال نسبتاً گرم، با آسمان نیلگون و صاف است. اشعه خورشیدی در این منطقه بسیار قوی و نافذ است و گاهی گرد و غبار هوا از نفوذ گرمای آن می‌کاهد. تابش خورشید به صورت مستقیم و انعکاس حرارتی آن بسیار محسوس است. سایه‌های طبیعی در طول سال بسیار کم است؛ از این رو بارندگی و رطوبت نسبی در سطح پایین قرار دارد. تأثیر این نوع اقلیم در بافت شهری این مناطق، فشردگی خاصی را ایجاد کرده‌است، تا انسانها از نفوذ آفتاب در امان باشند. فشردگی ساختمانی در قسمتهای مختلف بازار مشاهده می‌شود، ولی گاهی سراها، مساجد و مدارس دینی که دارای محوطه‌های وسیع و باز هستند این فشردگی را به هم می‌زنند. معابر مسقف نسبتاً باریک و شیوه‌های معماری با اقلیم منطقه هماهنگی دارد، مانند، بازار حلب، تبریز و اصفهان.

مطالعه نگارنده درباره بازار اصفهان این موضوع را کاملاً به ثبوت می‌رساند: درجه حرارت میدان امام (نقش جهان) در تاریخ ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۴۸، ساعت ۱۵، دقیقاً  $36^{\circ}$  سانتیگراد، در حالی که داخل بازار بزرگ  $26^{\circ}$  سانتیگراد حرارت داشته است. در زمستان در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۴۹، ساعت ۸ صبح درجه سرما در میدان امام  $3^{\circ}$  - سانتیگراد بوده، ولی داخل بازار قنادها و چهارسوق شاه، درجه حرارت  $5^{\circ}$  سانتیگراد بود. یعنی اختلاف درجه‌ای بین  $10^{\circ}$  تا  $8^{\circ}$  داشته است. مطالعات جدید ما نشان می‌دهد که در ۱۹ دی سال ۱۳۷۳ (۱۹ ژانویه ۱۹۹۵) ساعت ۸ صبح سه دمای هوا در بیرون بازار  $2/8^{\circ}$  - زیر صفر در حالی که داخل



بازار بزرگ  $5^{\circ}$  سانتیگراد بالای صفر یعنی اختلاف  $7/8^{\circ}$  سانتیگراد بوده است. ۱۲ مرداد ماه سال ۱۳۷۴ (۳ آگوست ۱۹۹۵) ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه، درجه حرارت بیرون بازار  $36/2^{\circ}$  سانتیگراد، در صورتی که داخل بازار  $26^{\circ}$  را نشان می‌داد، یعنی داخل بازار  $10^{\circ}$  خنک‌تر از بیرون بازار بوده است.

بازار را باید جزء مطلوب‌ترین مکان شهری برای خریداران و انسانهایی دانست که ساعاتی از اوقات فراغت خود را در آن می‌گذرانند. اغلب در زمستان بیشتر درجه‌های سقف بسته می‌شود تا گرما به هدر نرود و محیط بسیار مناسبی از نظر درجه حرارت پدید آید، اما گاهی نیز به دلیل داشتن سقف مرتفع این مکانها دارای زمستانهای نسبتاً سردی است مانند قیصریه اصفهان یا مظفریه تبریز<sup>۳۰</sup>.

در خور توجه است که در بعضی از شهرهای اسلامی مانند قاهره با آب و هوای گرم و بارندگی کم (۳۲ میلیمتر در سال و درجه حرارت متوسط سالانه  $21^{\circ}$  سانتیگراد) دارای سراهای بیشتری است و در آنها از سایبانهای مختلف استفاده می‌شود، در حالی که مناطق سرد و پربارانمانند تبریز، دارای بازارهای مسقف بیشتری است که در مقایسه با قاهره سراهای کمتری دارد.

### کالبد بازار و سبکهای ساختمانی آن

اشکال بازار خواه از نظر طرح افقی و خواه از نظر شکل فیزیکی با نیازهای انسانهای هر منطقه منطبق است. در منابع قدیمی از بازار شهرهای مختلف سرزمینهای اسلامی توصیفهایی شده، که از نظر جغرافیای تاریخی و تغییر و تحولی که در آنها پدید آمده است اهمیت دارد. بر طبق این مطالعات، کالبد بازار، در مناطق مختلف جغرافیایی که دارای فرهنگ اقتصادی مختلفی است، تفاوتهایی با یکدیگر دارد.

مطالعات اصلی کالبدی بازار را باید در تاریخ ساخت کرد و جهت و مکان جغرافیایی آن جستجو کرد. از این رو، مطالعه برای رسیدن به یک هدف جغرافیایی مطلوب، ضروری است باید به تحقیق درباره کالبد بازار و نظم مکانی خاص موجود در واحدهای بزرگ ساختمانی

۳۰- سیروس شفقی، «جغرافیای شهری ایران»، (جزوه درسی)، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۵، ص ۵۲.



قشردگی بناها و نوع معماری، به ویژه از نظر انواع سقفها و دکانها و محل قرارگیری کالاها در مکانهای جغرافیایی خاص توجه شود.

مطالعه جغرافیایی در نقشه‌های بازار نشان دهنده این حقیقت است که میراث فرهنگی به صورت آداب و رسوم مردم که از نسلی به نسل دیگر به یادگار مانده، عامل اساسی در بقای بازار بوده است. در این باره نقش تاریخی توسعه افقی، توسعه کالبدی شهری و مکان‌یابی مشاغل اهمیت بسیار دارد؛ برای مثال می‌توان از نقش بازار در شهرهای شیراز، تبریز و تهران نام برد که یادگار سه قرن اخیر است. این نکته نیز برای ما روشن است که بازار شهرها هرگز به صورت کلی نوسازی نشد. بلکه زلزله، یا عمر کوتاه مصالح ساختمانی باعث تجدید بنای آن گردیده است. در گذشته بیشتر زمینهای بازار شهرها یا به صورت میدانهای فروش بوده، یا درست در نزدیکی آنها ایجاد شده است که بازار اصفهان یکی از آنهاست.

تحقیق در جغرافیای تاریخی شهرهای قدیمی منطقه نشان می‌دهد که بازارهای مهم شهرهای ترکیه، مانند بورسا، آدرنه، استانبول و قیصریه در دوران پیش از ظهور اسلام نیز مرکز خرید و فروش بوده است. بازار شهرهای حلب و دمشق نیز تاریخی کهن‌تر از اسلام دارد. بطور کلی می‌توان گفت در سرزمینهای اسلامی که زمانی فرهنگ رومی، هلنی و بیزانسی داشتند شهرها دستخوش تغییر و تحولاتی شد. اما از لحاظ ساختاری، همان شباهتهایی را باهم دارند که در ابتدای بنا داشتند.<sup>۳۱</sup>

سوق اسکندرون در مرکز شهر قدیمی به احتمال بسیار قوی در محل آگورای<sup>۳۲</sup> یونانی یا فرومس<sup>۳۳</sup> رومی بنا شده است. در بنای بازار قاهره که یادگار عصر فاطمیه است، از زمین مربعی شکل با چهار دروازه به عنوان میدانهای فروش استفاده می‌کردند. در لیبی و مغرب، مکان جغرافیایی بازار در شهرها، دست کم از قرون وسطی به یادگار مانده است.

۳۱- لئوناردو بنه ولو، «تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی)»، ترجمه پروانه موحد، مرکز نشر

دانشگاهی، ۱۳۶۹، ص ۷.

۳۲- Agora لغت یونانی به معنای میدانهای بزرگ برای عبور و مرور مردم است که حالت چهارراه داشته است.

۳۳- Forums به میدان خرید و فروش رومیهای قدیم گفته می‌شد.



با این که بازار شهرهای مورد مطالعه، در یک منطقه جغرافیایی بزرگی قرار دارد و تقریباً دارای اقلیم همگن است، لکن به دلیل وجود تفاوت‌هایی که بین مناطق آب و هوایی گرم و مرطوب و گرم و خشک وجود دارد می‌توان تأثیر تفاوت‌های اقلیمی را در بناهای مسکونی به وضوح دید. در حالی که تأثیر تفاوت‌های اقلیمی را در بناهای بازار نمی‌توان مشاهده کرد. مکان‌یابی شهرهای اسلامی که موقعیت‌های جغرافیایی مختلفی دارند:

اول، شهرهایی که در کنار دریاها قرار دارند مانند اسکندریه، استانبول و بندرعباس.

دوم، شهرهایی که در مناطق استپی خشک واقع شده است مانند مراکش، قیروان<sup>۳۴</sup>، کاشان و یزد.

سوم، شهرهایی که در کنار رودخانه‌ها قرار دارد، مانند بغداد و قاهره.

چهارم، شهرهایی که در فلات مرتفع واقع شده‌اند مانند ارز روم، شیراز و کرمان.

تفاوت‌های مکانی و جغرافیایی بسیاری در محل استقرار و جایگزینی این شهرها مشاهده می‌شود. ولی امروزه ثابت شده است که محل بنای بازارهای فعلی، بر روی میدانهای خرید و فروش قدیمی گسترده و ساخته شده‌اند<sup>۳۵</sup> و پراکندگی جغرافیایی آن را از آسیای میانه تا اسپانیا و از ترکیه تا یمن می‌توان دید. بازار شهرهای اسلامی بیشتر در داخل حصار شهرهای قرون وسطایی پدید آمده‌اند<sup>۳۶</sup> که چهار نوع آن را می‌توان تشخیص داد: اول بازارهایی که بین دو دروازه شهر پدید آمده است، مانند الجزیره، قاهره، قیروان و مکناس<sup>۳۷</sup> که در منابع قدیم به این نوع بازارهای ایران اشاره شده است<sup>۳۸</sup>. دوم بازارهایی که بین یکی از دروازه‌های شهر و مسجد جامع یا کاخهای شاهی به وجود آمده است مانند مدینه، تبریز، تهران، تونس و تازا<sup>۳۹</sup>. سوم بازارهایی که بین دو مسجد بزرگ و مهم قرار دارد. مانند اصفهان، استانبول و مکه. چهارم

34- Kairouan

35-H. Gaube, und E. Wirth. *Der Bazar von Esfahan*, Wiesbaden, pp. 49-59, 1978.

36-M. Scharabi

37-Meknes

۳۸- حسین سلطان‌زاده، شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۲۶، نویسنده از قول ابن حوقل در *صورة الارض*، می‌نویسد «این بازارها که از دروازه‌ها امتداد می‌یافتند، گاه تا دروازه دیگر به طور پیوسته امتداد می‌یافتند و کیلومترها طول داشتند. بازار شهر «زرنج» از دروازه فارس تا دروازه میثا به طور پیوسته و در حدود نیم فرسخ است».

۳۹- مدارس دینی از عوامل مهم تشکیل‌دهنده بازار و شهرهای اسلامی - شرقی است مانند مدرسه جده کوچک و بزرگ و مدرسه صدر در بازار اصفهان، مدرسه الاحمدیه در حلب، مدرسه مستنصر در بغداد و مدرسه سینان در استانبول.



بازارهایی که بین مسجد جامع و کهندژ یا ارگ شهر یا یک مرکز دفاعی دیگر قرار گرفته است، مانند بازار شهر حلب، بغداد و دمشق<sup>۴۰</sup>.

### بازار و راههای آن

مساجد، بقاع متبرکه، قلاع و نقاط دفاعی شهر، کاخها و مهمتر از همه دروازه‌های شهر همه متعلق به نقاط ارتباطی اصلی بازار است. به طور کل در بخش بازار به جز مراکز فروش، مراکز دینی مانند مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، تکایا و سقاخانه‌ها<sup>۴۱</sup> و یا مراکز دیگری چون حمام، قهوه‌خانه<sup>۴۲</sup> و حتی بیمارستان<sup>۴۳</sup>، تشکیل دهنده یک مجموعه اقتصادی است که از دین مبین اسلام نشأت گرفته و در زندگی شهری مردم گره خورده است. معمولاً بازار شهرهای اسلامی به وسیله معابر عمومی اصلی به دروازه‌های شهر وصل می‌شده است. در فاصله بین دروازه‌های قدیمی شهر و بازار، محلات شهر قرار داشته است. گاهی راههای ارتباطی مزبور درست از مراکز محلات می‌گذشته که خود دارای بازارچه، مسجد و حمام بوده است. در دو طرف این گذرگاهها، کوچه‌ها و بن‌بستها قرار داشت که سکونتگاه ساکنان شهر بود. در بعضی از شهرهای سنتی مانند اصفهان، معابر عمومی و قدیمی هنوز نقش ارتباطی خود را از دست نداده است.

شهروندانی که مشاغل حساس حکومتی، اقتصادی و دینی داشتند؛ بیشتر در نقاط نزدیک به بازار به صورت مجتمع زندگی می‌کردند و دارای واحدهای مسکونی خاصی بودند که از نظر ایمنی بطور دایم محافظت می‌شد. بناها همیشه در کنار یکدیگر با نظم خاصی احداث شده است. بدون شک این عوامل تکمیل کننده بخش بازار و در واقع لازم و ملزوم یکدیگرند. حیاط باز مساجد، مدارس و مراکز فروش، محل استراحت و آسایش انسانهاست. فضاهای باز هنگامی ارزش می‌یابند که انسان پس از ساعتها گردش و خرید در بازار، برای رفع

۴۰- حسین سلطانزاده، همان منبع.

۴۱- سقاخانه‌ها، عوامل اصلی و جدانشدنی از بخش بازار است و بیشتر به صورت وقف است.

۴۲- قهوه‌خانه‌ها را می‌توان در کلیه بازار شهرهای اسلامی مشاهده کرد، مانند استانبول، دمشق، قاهره، تونس و اصفهان.

۴۳- بیمارستانهای سنتی و قدیمی که در بخش بازار قرار دارد، با مساجد و مدارس دینی در بازار قابل مقایسه نیست زیرا تعداد آنها در این بخش اندک است مانند دارالشفا در بازار اصفهان.



خستگی به آنها می‌رسد و استراحت کوتاهی می‌کند. وجود مساجد برای نمازگذاران و محل وضو و دستشویی‌ها در آن، امکانات بخش بازار را نشان می‌دهد، بی‌شک مساجد و مدارس موجود در بازار نیز مانند آهن‌ربایی انسانها را به سوی خود جذب می‌کند. مدارس دینی نه تنها مکان آموزش و محل مناسب اقامت شبانه است؛ بلکه فضاهای باز و نسبتاً وسیع، استخر، آب‌نماهای زیبا و درختان پرسایه و خنک آن، محیط بسیار مطلوبی را برای ورود همگان مهیا می‌سازد. شاید در بین بازارهای منطقه خاورمیانه، بازار اصفهان از این نظر سرآمد باشد.

یکی از آیینهای پایدار مسلمانان برپایی نماز جمعه یا اعیاد مذهبی در مساجد است، از این رو عده‌ای از افرادی که به بازار می‌رفتند قصد خرید و فروش نداشتند، بلکه مهمانان خانه خدا بودند. با توجه به این اعمال، نباید فراموش کرد که در کالبد شهری، در سرزمینهای اسلامی با ظهور دین مبین اسلام تغییر و تحول بسیار پدید آمده است. خانه خدایان در بین‌النهرین، ایران باستان، مصر، یونان قدیم و روم را گروه خاصی از انسانها نگه‌داری و نگه‌بانی می‌کردند. این اماکن در عصر مسیحیت به صورت اماکن عمومی درآمد، مانند آگورا، فورم و تئاتر<sup>۴۴</sup> که عملکردی جز تجمع انسانها با هدفهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مدیریت شهری را نداشت. این اماکن در عصر بیزانس جای خود را به کلیسا و سپس به مساجد مسلمانان داده است، البته محوطه و میدانهای باز برای گردهمایی انسانها به مفهوم آگورا یا فورم در ممالک اسلامی کمتر دیده می‌شود.

در بازار شهرهای اسلامی، به مقبره پیشوایان مذهبی و شخصیت‌های علمی - سیاسی برمی‌خوریم که گاهی بطور منفرد و زمانی مرکب از چند مقبره تشکیل شده است. در استانبول نزدیک کوچه شکر احمد این نوع مقبره مقدس دیده می‌شود، همچنین مقبره ملا محمد باقر مجلسی یکی از پیشوایان مذهبی عصر صفویه که در کنار مسجد جامع و بازار اصفهان قرار دارد. تجمع سالیانه هزاران انسان در بازار مراکش برای زیارت بقاع متبرکه نیز از آیین مذهبی -

۴۴- محوطه کوچک و بزرگی که در آن نمایش می‌دادند و دور تا دور آن پله مانند و جایگاه نشستن تماشاگران بود.



عبادی مردم است که چندین روز به طول می‌انجامد. این آداب و سنن مذهبی به مردم مراکش تعلق دارد. این آیین بی‌شبهت به مراسم محرم در بازار شهرهای ایران نیست. مثلاً گذر دسته‌های عزای محلات مختلف در روز عاشورا از بازار تبریز یک سنت دیرین است. در خاتمه، بیان این نکته ضرورت دارد که در اغلب شهرهای اسلامی بازار در جوار مساجد جامع واقع شده است. جغرافی دان آلمانی به نام دتمان<sup>۴۵</sup> در سال ۱۹۶۶ طرح یک شهر اسلامی - شرقی را ترسیم کرده است. چنانچه از طرح او برمی‌آید مسجد جامع به بازار متصل است. دتمان با توجه به طرحهای ترسیم شده از طرف جغرافی دانان قبلی طرحی بسیار ساده از شهر اسلامی را تهیه کرده که، مورد قبول اکثر جغرافی دانان می‌باشد، (به طرح دتمان مراجعه کنید).

### وقف و بازار

توسعه بازار و بنای بیشتر آنها گاهی با اهداف مذهبی صورت می‌گرفت، این بازارها بخصوص برای تأمین بودجه نگهداری بناهای بااهمیت مذهبی و مؤسسه‌های خیریه ساخته می‌شد. البته گاهی نیز این نوع حرکات مذهبی، جنبه سیاسی داشت، تا اعتبار اجتماعی و کسره سیاسی بانی آن را بالا ببرد. بناهای وقفی موجود در بازار نیز گاهی به صورت ماهرانه‌ای به بناهای مذهبی متصل می‌شد و درآمد آن صرفاً برای نگهداری آنها به کار می‌رفت، مانند درآمد بیشتر دکانهای شبکه‌های بازار اصفهان که خرج مدارس و مساجد می‌شود که در همین بخش قرار دارد.

سلاطین قرن شانزدهم در بخش جنوبی شهر قدیم حلب تعدادی بازار ساختند که بعضی از آنها دارای هویت اصیل معماری بود و با یک نظام هماهنگ و متشکل از طاق و گنبد به بناهای وقفی اصلی، متصل و مرتبطاند.

در قاهره بازار بزرگ و سرپوشیده‌ای که «قصیه رضوان» نامیده می‌شود و مجموعه‌ای از ساختمانهایی است که توسط امیر رضوان بیک ساخته و وقف نموده است، این بازار دارای سقف چوبی با روزنه‌های دایره‌ای است. این بازار را باید یکی از جالبترین بازارهای شهر قدیمی قاهره دانست.

45-K. Dettman, "Islamische und westliche Elemente in heutigen Damaskus", GR, pp. 64-68, 1969.



اجاره بهای دکانهای وقفی در بازار شهرهای اسلامی، در مقایسه با اجاره بهای مغازه‌های غیروقفی بسیار پایین است و چون تعداد این نوع مستغلات در سطح بازار بیشتر است، لذا یکی از دلایل پایداری بازار در شهرهای اسلامی می‌باشد.

### شکل و نظم مکانی در بازار

بازار، بخشی از منطقه مرکزی شهر است که از خیابانها و شبکه راههای متعددی تشکیل می‌شود. از طرفی به کمک راههایی با بخشهای دیگر شهر و از طرف دیگر به حومه آن ارتباط دارد. بازار بخشی از شهر است که نقش مرکزی را ایفا می‌کند و ارکان بسته‌ای است که با هم گره خورده است. دو طرف معابر بازار دارای دکانهای به هم پیوسته است. بازار به مفهوم یونانی (آگورا) یا رومی آن (فرومس) که از آن میدان استنباط می‌شود منظور ما نمی‌باشد، اما میدانهایی در شهرهای اسلامی هستند که از آنها به عنوان میدانهای هفتگی استفاده می‌شود و بیشتر در کنار حصار یا کهن دژ قدیمی شهر قرار دارند مانند مرو.

مطالعه مکان جغرافیایی بازار در شهرهای اسلامی - شرقی نشان دهنده این واقعیت است که بازار شهرهای این منطقه، دارای محور خاص جغرافیایی است بطوری که محور اصلی ارتباطی با نقاط مهم شهری را می‌توان به خوبی مشاهده کرد.

گسترش طولی بازارها بسیار متفاوت است. مکان تجاری آن که مسقف است در بیشتر کشورهای اسلامی به جز ایران بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ متر طول دارد، در حالی که طول بازارهای ایران بیشتر است؛ برای مثال در اصفهان دست کم ۲۵۰۰ متر، در تبریز ۱۵۰۰ متر<sup>۴۶</sup> و در تهران ۹۰۰ متر<sup>۴۷</sup> و عرض معمولی آن از ۴ تا ۸ متر است. مغازه‌های محورهای اصلی بازار یک طبقه است؛ البته استثنایی نیز در بازارهای منطقه دیده می‌شود، مثلاً بازار قیصریه اصفهان، سوق الحمیدیه دمشق، سوق ال حوجا دمشق و سوق سور بیروت از آن جمله است همچنین قصبه قاهره که خیابان فروشگاهی و سکوتگاهی است، یا محور اصلی بازار مکه، مدینه، طائف و صنعا که

46-G. Schweizer, Tabriz und Tabrizer Bazar, *Erdkunde*, Band 26, Vergleich, Karte, No 4, 1972.

47-M. Seger, "Tehran stadtgeographische studie", wein, New York, Karte, der Bazar von Tehran. 1978.



عملکرد خرید و فروش با سکونت انسانی در هم آمیخته است. از محور اصلی بازار، شبکه‌های فرعی متعددی منشعب می‌شود که دارای طول و عرض مختلف است و بیشتر یک طبقه و دارای عرض باریکی است.

در مرز بخش بازار، گاهی بطور ملایم (بازار فاس) و زمانی دفعته (بازار تبریز) به بخش مسکونی می‌رسیم. قسمتی از شبکه‌های بازار از طریق دروازه‌های ورودی که دارای درهای بزرگی است، بسته می‌شود و به صورت یک سالن سرپوشیده بسته درمی‌آید. شبکه‌های بازار هرگز به بن‌بستها منتهی نمی‌شود.

مراکزی که امکان اقامت شبانه در آنها باشد، در محور اصلی بازار هرگز قرار ندارند، بلکه همیشه در کنار آن واقع شده‌است؛ زیرا با بستن درهای ورودی آنها، به ویژه در ایران رفت و آمد شبانه کاملاً قطع می‌شود.

با اینکه بازار، مرکز شهرهای اسلامی - شرقی است و از نظر اقتصادی اهمیت بسزایی دارد و زمینهای وسیعی را به خود اختصاص داده‌است، ولی از نظر چشم‌انداز جغرافیایی چندان مورد توجه نیست. فضای داخلی بازار یا گنبدهای زنجیره‌ای شکل منظم که گاهی مناره و گنبدهای مرتفع مساجد، این هماهنگی را به هم می‌زند، توجه انسان را به خود جلب می‌کند. سبک معماری بعضی از بازارهای شهرها بی‌نظیر و در خور اهمیت است، به طوری که جزء شاهکارهای معماری به حساب می‌آید مانند بازار اصفهان، تبریز، استانبول و حلب. اهمیت کالبدی بازار به دلیل بناهای یک یا دو طبقه آنها است. از دیدگاه جغرافیایی این بناهای کم‌ارتفاع (بیشتر کاه‌گلی) دارای مکان‌یابی بی‌نظیری است که کاربری زمین را از نظر اصول شهرسازی برای ما روشن می‌کند و چیره‌دستی شهرسازان جوامع اسلامی را به ما نوید می‌دهد. بعضی از شهرهای اسلامی مانند تونس و الجزیره بر روی زمینهای ناهمواری گسترش یافته‌اند، اما بازار آنها در زمینهای صاف واقع شده‌است. مطالعه اجمالی درباره بازار شهرهای ایران این حقیقت را روشن می‌کند که بیشتر آنها در زمینهای صاف شهری قرار گرفته‌اند مانند بازار اصفهان، تهران، تبریز، مشهد و شیراز. بازار بغداد، حلب و قاهره نیز در زمینهای بدون ناهمواری واقع شده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که معمولاً مکان‌یابی بازار در شهرهای کنار



رودخانه‌ای، تا حد امکان در مرتفع‌ترین نقطه شهر صورت گرفته است تا از سیل‌های احتمالی در امان باشند، مانند بازار اصفهان که قدیمی‌ترین بخش‌های آن، در کنار مسجد جامع و محله جوباره قرار دارد و جزء مرتفع‌ترین نقاط شهری محسوب می‌شود.<sup>۴۸</sup>

در این جا به مطالعه اجمالی درباره بازارهای شبه جزیره ایبری می‌پردازیم. ابتدا این منطقه را از نظر تاریخی بررسی می‌کنیم. آندلس تا سال ۱۰۱۴ میلادی جزء مناطق حکومتی بنی‌امیه و مرکز فرهنگی جهان اسلام بود. در اواسط قرن دوازدهم میلادی، موحدین از سال (۱۱۳۰-۱۲۶۰ م.) یک حکومت قوی را در آنجا بنیانگذاری کردند، در این دوره تاریخی، مراکش و شیبلیه (در جنوب اسپانیا) با یکدیگر ادغام شدند. پس از آن نیز این شهر در عصر ملوک مرسیه (۱۱۶۵-۱۴۶۰ م.) و ناصرینها (۱۲۳۲-۱۴۹۲ م.) پیوسته دست به دست می‌گشت، گاهی در دست مراکش و زمانی در دست اسپانیا بود. فاس و غرناطه و گرانادا بویژه در قرن چهاردهم میلادی روابط بسیار نزدیکی با یکدیگر داشتند. نتیجه این مبادلات فرهنگی و اقتصادی، پیدایش قیصریه و فندق و بعدها کورال‌دل‌کاربن<sup>۴۹</sup> در غرناطه بود.

اطلاعات به دست آمده از کالاهای موجود در بازارهای اسپانیا در دوران تسلط اعراب نشان می‌دهد که این کالاها به کالاهای موجود در سوق مراکش شباهت خاصی داشتند؛ ولی امروزه بازار شهرهای اسپانیا با بازارهای مراکش قابل مقایسه نیست، مثلاً آنچه در شهرهای فاس یا بطور کلی در مراکش می‌بینیم، بویژه مکانها و بناهای تجاری که دارای بناهای قدیمی هستند؛ مانند قیصریه و کورال‌دل‌کاربن، در محدوده بسته قرار دارند. تعداد بسیاری مرکادوس<sup>۵۰</sup> و زوکوس<sup>۵۱</sup> از نظر مکان‌یابی یا کالبدی مانند آنچه در شهرهای قرطبه<sup>۵۲</sup> و ملطیه<sup>۵۳</sup> و طلیطله<sup>۵۴</sup> و شهرهای اسلامی شمال آفریقا، حتی در مراکش موجود بوده که اکنون وجود ندارد در حالی که در فرانسه و ایتالیا به چشم می‌خورد. از نظر معماری و کالبدی و نوع کالا نابودی بازارهای اسپانیا، به سبک فعلی بازارهای سرزمینهای اسلامی، یک واقعیت انکارناپذیر است. چنانکه

۴۸- سیروس شفتی، جغرافیای اصفهان، دانشگاه اصفهان، (نقشه ناهمواریهای شهر اصفهان)، ۱۳۵۳، ص ۱۶

49- Corral del carbon

50- Mercados

51- Sokos

52- Cordoba

53- Malaga

54- Toleda



پیدایش چنین آثاری تابع وجود یک طبقه اجتماعی و اقتصادی خاصی بوده است؛ به بیانی دیگر وجود طبقات اجتماعی خاص، اثرهای خود را در ساختار فضایی بازار برجای می‌گذارد.

### سبکهای معماری در بازار

بی شک سبک معماری بازارهای شهرهای اسلامی با یکدیگر متفاوت است. بعضی‌ها دارای سبکهای بسیار ساده و عامیانه و حتی ابتدایی مانند بازار شهرهای شمال غربی کشورهای آفریقا و بعضی دیگر، دارای پیچیدگی و تنوع معماری بیشتری است مانند بازار شهرهای ایران. بازار بیشتر شهرهای اسلامی، در جوار مسجد جامع شهر و متصل به آن است و از نظر معماری مکمل یکدیگر است. فاصله بین مسجد جامع و بازار، موقعی اتفاق می‌افتد که یک پیشامد تاریخی در شهری بوقوع پیوندد و معمولاً عملکرد این نوع بازارها از نظر اقتصادی تضعیف می‌شود، چه عبور و مرور افراد به مساجد جامع است که بازار شهرهای اسلامی را پدید می‌آورد. بازار شهرهای اسلامی گاهی مجموعه‌ای از شاهکارهای معماری - هنری اصیل و بدیع جهانی، را به وجود می‌آورد که بازارهای اصفهان و تبریز نمونه بارز آن است، در بین شهرهای اسلامی کمتر بازاری مانند این دو شهر بازار سراغ داریم که دارای این همه ارزش و اهمیت معماری بوده باشند، به ویژه بازار اصفهان که نسبت به قدمت آن سالم مانده است. البته این مسأله به دو عامل جغرافیایی کسره کمی رطوبت نسبی و بارندگی (۱۲۵ میلیمتر بارندگی سالیانه) و قرار نگرفتن شهر بر روی کمر بند زلزله‌های شدید، بستگی دارد. بازار اصفهان را باید کلکسیونی از معماری طاق و گنبدسازی جهان دانست. این بازار به دلیل موقع جغرافیایی که در مرکز ایران و سرزمینهای اسلامی قرار گرفته است، از نظر معماری متنوع‌تر از دیگر بازارهای جهان است، از این رو تحقیق درباره تاریخ و سبک معماری آن دارای اهمیت خاصی است.

بناهایی که از ادوار مختلف تاریخ با سبکهای معماری متفاوت به یادگار مانده است، فنون معماری هر دوره را برای ما روشن می‌کند. بناهای مزبور در بعضی از بازارها مانند اصفهان سالم مانده است، به طوری که تعیین تاریخ بنای هر یک از آنها کار ساده‌ای است. پروفیسور ویرت براساس تعیین قدمت بناها، نقشه تاریخی بازار اصفهان را تهیه و ترسیم کرده است. از نظر



سبک معماری، بین بناهای بازار و سکونتگاه انسان آن طور که در معماری شهرهای قرون وسطایی اروپا می بینیم رابطه‌ای وجود ندارد.

ذکر این نکته لازم است که دست نخوردن بناهای بازار در اغلب شهرهای اسلامی، بویژه در ایران با موقوفه بودن آنها ارتباط مستقیمی داشته، زیرا از نظر دینی اجازه دخل و تصرف و تجدید بنا در آنها تا زمانی که ساختمان کارآیی و عملکردی داشته، داده نمی شود.

### کالبد فیزیکی بازار

معیار خاصی برای بزرگی بازارها وجود ندارد زیرا بزرگی شهرها با همدیگر تفاوت کلی دارد و وسعت بازارها نیز به آن وابسته است. البته بزرگی بازار از شهری به شهر دیگر با جمعیت یکسان، متفاوت است و بازار شهرها بیشتر تابع رشد شهر در طرح افقی آن است و زندگی شهری، شکل‌پذیری جدید و تحولات را در بازار، پدید می آورد. یعنی به جز آنچه در طرح اولیه داشته، نسبت به نیاز و سلیقه مردم تغییر پیدا می کند. مطالعات جغرافیایی درباره بازار نشان دهنده آن است که می توان اصول جغرافیایی چندی را به عنوان ویژگیها و اصول کالبدی بازار به کار برد. همانطور که در صفحات گذشته اشاره شد، طول محور اصلی بازارها به جز ایران ۲۰۰ تا ۵۰۰ متر برآورد شده است مانند بازار استانبول، حلب، دمشق، تونس، فاس و مراکش، اما شهرهایی مانند اصفهان، تهران و تبریز از این نظر، وضع استثنایی دارند. به طوری که در اصفهان طول بازار به ۲۵۰۰ متر می رسد.

عرض بازارهای اصلی را ۴ تا ۸ متر و شبکه‌های فرعی را تا ۱/۵ متر برآورد کرده‌اند، مانند بازار اسکندریه و بیروت. (این معیار تنگ و مسقف، با دکانهای دو طرف، یادگار توسعه جدید بازار در قرن ماست و پیشامد تغییراتی است که در نظم مکانی سنتی شهرها، پدید آمده است.) پیدایش شبکه‌های جدید بازار را باید توسعه و نفوذ بخش بازار در زمینهای مسکونی شهر دانست؛ چرا که بعضی از بازارها برخلاف نظر مارسی\* نه تنها در حال نابودی نیستند، بلکه رشد نیز می کنند و همین امر موجب توسعه و گسترش آن در بخشهای مسکونی

\* - G. Marcals, "Considerations sur les villes Musulmanes et notamment sur le role du mohtasib", in *Recueils de la societe*, Jean Bodin, pp. 249-262, 1954.



شهرها شده است. حتی طرفین شبکه‌های اصلی و فرعی بازار بطور فشرده ساخته شده است و زمینهای باز این بخش شهری را همان سراها، مساجد، مدارس و دیگر واحدهای مرکزی تشکیل می‌دهند. فشردگی و تمرکز ساختمانی در بازار را می‌توان در طبقات ساختمانی مشاهده کرد. ارتفاع دکانها و حجره‌ها و بطور کلی ساختمانها در ترکیه و سرزمینهای عربی بجز مصر، حجاز و یمن، حدود ۱۸۰ سانتیمتر و در ایران ۲۲۰ سانتیمتر گزارش شده است<sup>۵۵</sup>. چنین به نظر می‌رسد که ارتفاعات ذکر شده کمتر از حد واقعی است؛ زیرا ارتفاع گنبد از کف دکانها یا حجره‌ها در نظر گرفته شده است و می‌توان به این ارتفاعات حدود ۱ تا ۱/۵ متر اضافه کرد. در ضمن این ارتفاعات با ارتفاع سقف واحدهای مسکونی، یک اندازه گزارش شده است.

معیار مهم در فشردگی ساختمانهای بازار را می‌توان از چشم‌انداز پشت بامها یا از طریق عکسهای هوایی مشاهده کرد، که مانند زنجیری در کنار هم قرار دارند، اشکال فیزیکی سقفهای بازار نیز از شکل پشت بامها تشخیص داده می‌شود.

### سقف بازارها

ایجاد سایه در شبکه‌های اصلی و فرعی بازار، به منظور استفاده از هوای مطلوب و حفظ و نگهداری کالاها بسیار ضروری است؛ زیرا با ساختن سقف در بازار انسانها هم از بارندگیها و هم از گرما و سرماهای شدید در امان هستند، مانند بازارهای تبریز، تهران، اصفهان، استانبول، حلب و غیره. شکل سقفها از شیوه‌های معماری و مصالح ساختمانی محل، نشأت گرفته است. در ایران و عراق آجرها، زنجیره‌ای شکل کنار هم قرار گرفته است. طاقهایی که گنبد بازارها را کنار هم تشکیل داده‌اند با همدیگر تفاوت کلی دارند؛ بعضی دارای قوس زیاد و بعضی دیگر دارای قوس ملایمی است. مهمترین نوع آنها طاق ضربی است که در بازار شهرهای اصفهان، تبریز، کاشان، یزد، قم و کرمان مشاهده می‌شود.

در بیشتر بازار شهرهای اسلامی - شرقی، به ویژه در شهرهای سنتی ایران ورودی بازارها، مساجد، مدارس و قیصریه‌ها، گنبدی رفیع و زیبا دارند که به نام چهارسوق یا چهارسو معروف است و از نظر معماری اهمیت خاصی دارد. زیباترین و بلندترین چهارسوقها بیش از همه



در اصفهان به ویژه در قیصریه آن مشاهده می شود. معمولاً قسمت خاصی در بخش بازار به چهار سوقتها اختصاص داده شده که در مسیر اصلی بازارهاست<sup>۵۶</sup> و دور تا دور آن دکانها قرار دارند. بعضی از شبکه بازارها، معماری گنبدی ندارد، یا دارای گنبد کمتری هستند مانند مصر، ترکیه، سوریه، لبنان، لیبی و تونس. بیشتر سقف بازارها از سنگ و آجر با ملات رسی یا آهکی بنا شده است. مانند شهر قیصریه، استانبول، حلب، طرابلس، تونس و لار.

بازار بعضی از شهرها سقفهای گنبدی کمتری دارد که علت آن نوع کاربرهای آن است، در این نوع بازارها عملکرد مساکن انسانی و تجاری درهم آمیخته است؛ مانند بازار هرات الجمالون در قاهره<sup>۵۷</sup>.

در ساختمان بیشتر سقفهای بازارهای مراکش چوب و حصیر به کار رفته است. این حرکت علاوه بر آن که هزینه کمتری دارد عرضهای ۶ تا ۷ متری را به راحتی می پوشاند که از این نوع سقفها در بنغازی و قاهره مشاهده می شود.

سقفهای جدید آهنی که یک پدیده کاملاً جدید است، در ساختمان بعضی از بازارها به چشم می خورد. برای مثال سوق الحمیدیه در دمشق نمونه ای از آن است، که به طول ۵۰۰ متر و عرض ۸ متر همه از اسکلت آهنی قوسی شکل، بنا شده است و پشت بامهای آن شیروانی است. این ساختمان در سال ۱۸۷۸ م. (۱۲۹۵ ه. ق.) یعنی همزمان با ساختن گالری نمایشگاه ویکتور ایمانوئل<sup>۵۸</sup> در میلانند<sup>۵۹</sup> بنا شده است و مشابهت خاصی به آن دارد، در حقیقت شروع نفوذ سبک معماری غرب در بازارهای ممالک اسلامی است و برعکس به صورت پاساژ در ممالک غربی نفوذ بازار تجلی می کند که یادگار همین دوره است. در شهرهای غربی به ویژه در سالهای اخیر به مراکز فروش کوچک و بزرگی برمی خوریم که طرح آن تقلیدی از بازار شهرهای اسلامی است، اما مصالح ساختمانی آن را فلز و شیشه تشکیل می دهد. اکنون سقفهای اسکلت فلزی با پشت بامهای شیروانی در بنای تعداد بسیاری از بازارها و سالنهای فروش و تیمچه ها دیده می شود مانند بازار بورس، تهران، مریوان، حلب، بغداد و جده.

56-H. Gaube und E. Wirth, op.cit, p. 68.

57- Harat af Gamalun

58- Galleria Vittoria Emanuele II

59- Mailand



در این جا دربارهٔ روشنائی و تهویه بازار به طور مختصر توضیحی داده می‌شود. استفاده از نور طبیعی، در بازارهای سرزمینهای اسلامی همچنان باقی مانده و هدایت آن از روزنه‌ای که در مرتفع‌ترین نقطهٔ گنبدها تعبیه شده‌است، صورت می‌گیرد. مانند بازارهای اصفهان، حلب، شیراز و تبریز. در بازار بعضی از شهرها، قسمت بالایی گنبدها را به طور وسیعتری خراب کرده‌اند تا نور بیشتری به داخل بازار برسد مانند بعضی از شبکه‌های بازار در تبریز و زنجان، این عمل با این که روشنائی طبیعی بازار را افزایش داده‌است، اما در فصول گرم و سرد سال باعث افزایش یا کاهش درجهٔ حرارت شده و هوای داخل بازار را نامطلوب کرده‌است. در بازار بعضی از شهرها به ویژه در طرفین دیوار اصلی، دریچه‌هایی برای نوردهی به داخل بازار ایجاد شده‌است، مانند بازار استانبول و تونس، از این دریچه‌های پنجره‌ای شکل علاوه بر نوردهی به داخل بازار، برای تهویه نیز استفاده می‌کنند و بیشتر آنها در تابستان و زمستان باز و بسته می‌شود.

### زلزله و تغییرات کالبدی بازار

در مناطقی که بر روی کمر بند زلزله قرار دارند، با وقوع زلزله، ویرانیهایی در شهر و بازار به وجود می‌آید که بازسازی آن سالها طول می‌کشد. از این رو گزارش نویسندگان و سیاحان از شهرهای مختلف اسلامی در ادوار مختلف، اطلاعات جامعی را از وضع اقتصادی و کالبدی بازار در اختیار ما قرار می‌دهد. بازار تبریز از بازارهایی است که بارها بر اثر زلزله با خاک یکسان و دوباره ساخته شده‌است. بازار قدیمی شهر تبریز در زلزلهٔ سالهای ۱۷۲۷ م. (۱۱۳۵ هـ. ق.) و ۱۷۸۰ م. (۱۱۹۴ هـ. ق.) که به ترتیب ۷۰ هزار و ۴۰ هزار نفر کشته بر جای نهاد با خاک یکسان شد. در سال ۱۸۰۸ م. و ۱۸۰۹ م. (۱۲۲۳ هـ. ق. و ۱۲۲۴ هـ. ق.) موریر<sup>۶۰</sup> از تبریز دیدن کرده. او بازار شهر را بزرگ، ولی شبکه‌های آن را با سقفهای چوبی و بدون گنبد توصیف کرده‌است. در سال ۱۸۵۱ م. (۱۲۶۷ هـ. ق.) اوژن فلاندن<sup>۶۱</sup> تعریف مشابهی از بازار تبریز می‌کند، حتی بازار شهر را بسیار فقیرانه و سقفهای آن را چوبی، ساده و بدون گنبد می‌نویسد؛ البته تعریف و توصیف این دو نویسنده از بازار تبریز به هیچ وجه با بناهای گنبدی و بی نظیری که هم اکنون در



بازار تبریز به چشم می‌خورد، مطابقت ندارد. بازار تبریز چند سال پس از بازدید فلاندن به شکل فعلی درآمده و بازسازی وسیعی در آن صورت گرفته است. در واقع کمی پیش از نیمه اول قرن نوزدهم، بازار تبریز تصویر دیگری جز امروز داشته است. یکی از سیاحان روسی به نام برزین<sup>۶۲</sup> که در سال ۱۸۴۲ م. (۱۲۵۸ ه. ق.) در تبریز اقامت داشت در توصیفی از بازار تبریز، نام چند واحد بازار را آورده است؛ مانند کاروانسرای حاج سید حسین و شیخ قاسم. در اواخر قرن ۱۹ ویلسون<sup>۶۳</sup> از بازار تبریز دیدن کرد. او می‌نویسد: «از آخرین زلزله تا ۲۵ سال پیش، سقف بیشتر شبکه‌های بازار چوبی بوده است که شخصی به نام تاماش میرزا مجیدالدوله آنها را بر چیده است و دوباره طاقهای رفیعی را به جای آنها بنا کرده است.»

بازار فعلی تبریز را باید یادگار سالهای ۱۸۵۰ - ۱۸۶۰ م. (۱۲۶۶ - ۱۲۶۷ ه. ق.) دانست<sup>۶۴</sup>. در این عصر، بازار تبریز در تجارت خارجی ایران نقش اساسی داشته است.

### ساختمان دکانها و نمایش کالاها

بازارهای سنتی شهرهای اسلامی، معابر کم‌عرض و مسقفی است که دکانهای به هم پیوسته دارند. تعداد معدودی از بازارها دارای ساختمان دو طبقه است که بهترین نمونه آن را می‌توان در اصفهان و دمشق دید. گاهی نیز یک و نیم طبقه هستند، مانند بعضی از شبکه‌های بازار تبریز و اصفهان که طبقه فوقانی محل فروش نیست، بلکه از آن برای انبار یا کارگاههای تولید استفاده می‌شود، شکل سنتی مغازه‌های بازار که در ایران «دکان» و در ممالک عربی زبان «محل» خوانده می‌شود، هنوز پای برجاست، مانند حلب، فاس، شیراز و اصفهان. اصالت سنتی بازار در بیشتر شهرها به فراموشی سپرده شده است و تنها در گزارش نویسنده‌گان قدیم و سیاحت‌نامه‌ها و تصاویری که از گذشته به یادگار مانده، مشاهده می‌شود. وسعت مغازه‌ها در بعضی از بازارها بسیار محدود است، مانند بازار عطاران تونس (سوق العطارین)، سوق باب مصر در مدینه و سوق الستیات در اسکندریه که مساحت دکانها حدود ۲ متر یا کوچکتر است. در بازارهای تازه ساخته شده مانند بازار نو شیراز، دکانهای نسبتاً بزرگی بنا شده است. به

62-J. Berezin

63- S. G. Wilson, "Persian life and Custorn", London, 1899.

64-G. Schweizer, op.cit, pp. 32-46.



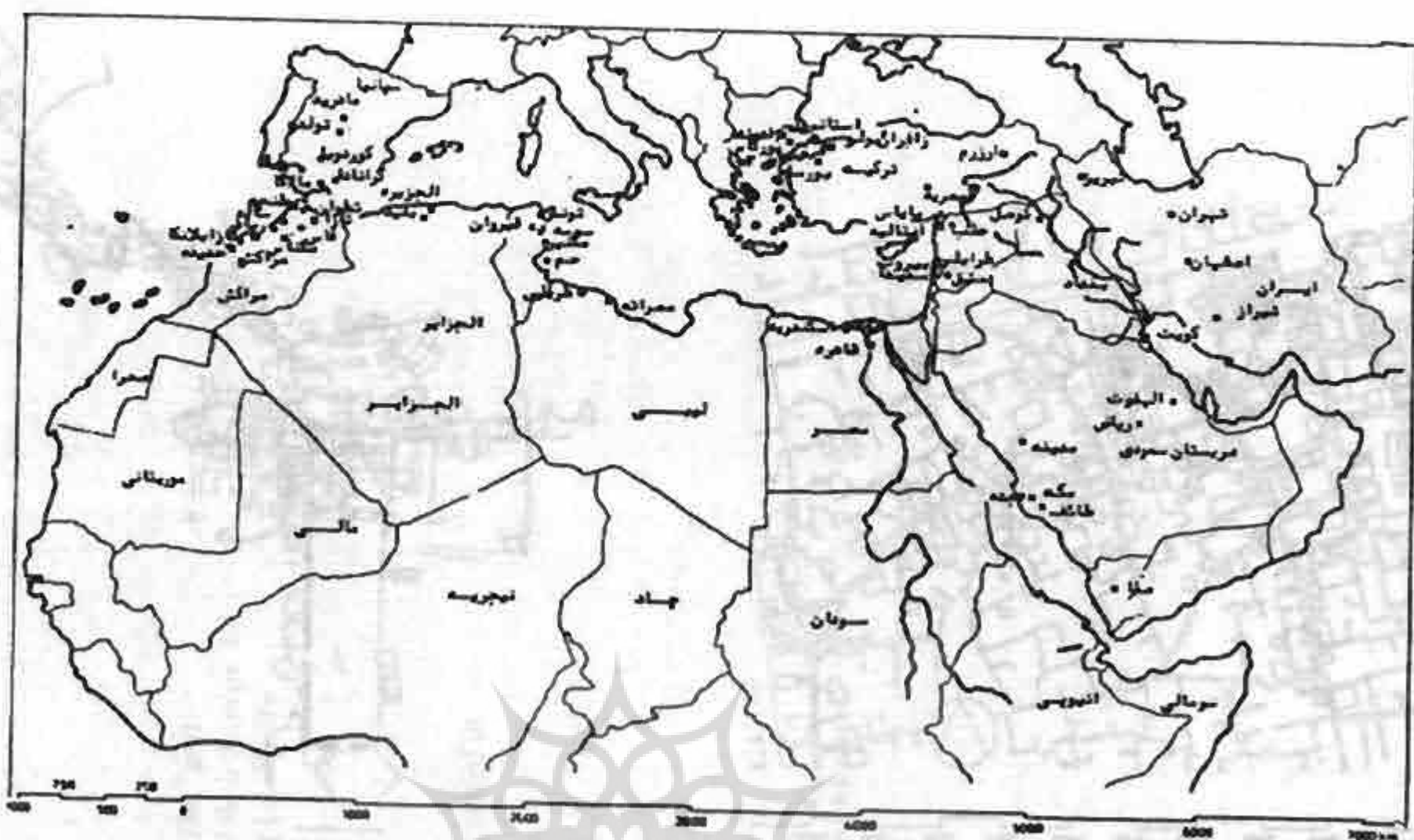
طوری که وسعت هر یک از آنها دست کم به ۱۵ متر مربع می‌رسد. بیشتر مغازه‌ها در قسمت پشت، دارای محل بزرگتری است که دفاتر تجاری، انبار و کارگاههای تولید در آن متمرکز است. دکان بعضی از بازارها مانند حجاز، طائف، ناحیه یمن و ساآدا بدون در ساخته شده است، همیشه باز است و طبق مقررات خاصی به وسیله نگهبانان ویژه‌ای که در ایران آنها را شبگرد می‌نامیم، محافظت می‌شود. گویا در عصر بیزانس چنین وضعی در بازارهای آن زمان وجود داشته است. کف دکانها معمولاً کمی بلندتر از کف بازار قرار دارد که این کار، مکان دکان را کاملاً معین و محلی را که فروشنده در آن قرار دارد، مشخص می‌کند. آن محل از سکویی ساخته شده که به آن مصطبه (سکو) می‌گویند. محل نشستن در قسمت ورودی دکان است که خریدار و فروشنده بر روی آن می‌نشینند و داد و ستد می‌کنند. این سبک داخلی دکان یا بازار در قاهره از اوایل قرن نوزدهم منسوخ شده است.

در بازار حلب، قسمت کوچکی از این نوع سکوها باقی مانده است و در بازار فاس نیز از این مصطبه‌ها (سکوها) بیشتر برای نمایش اجناس استفاده می‌شود.

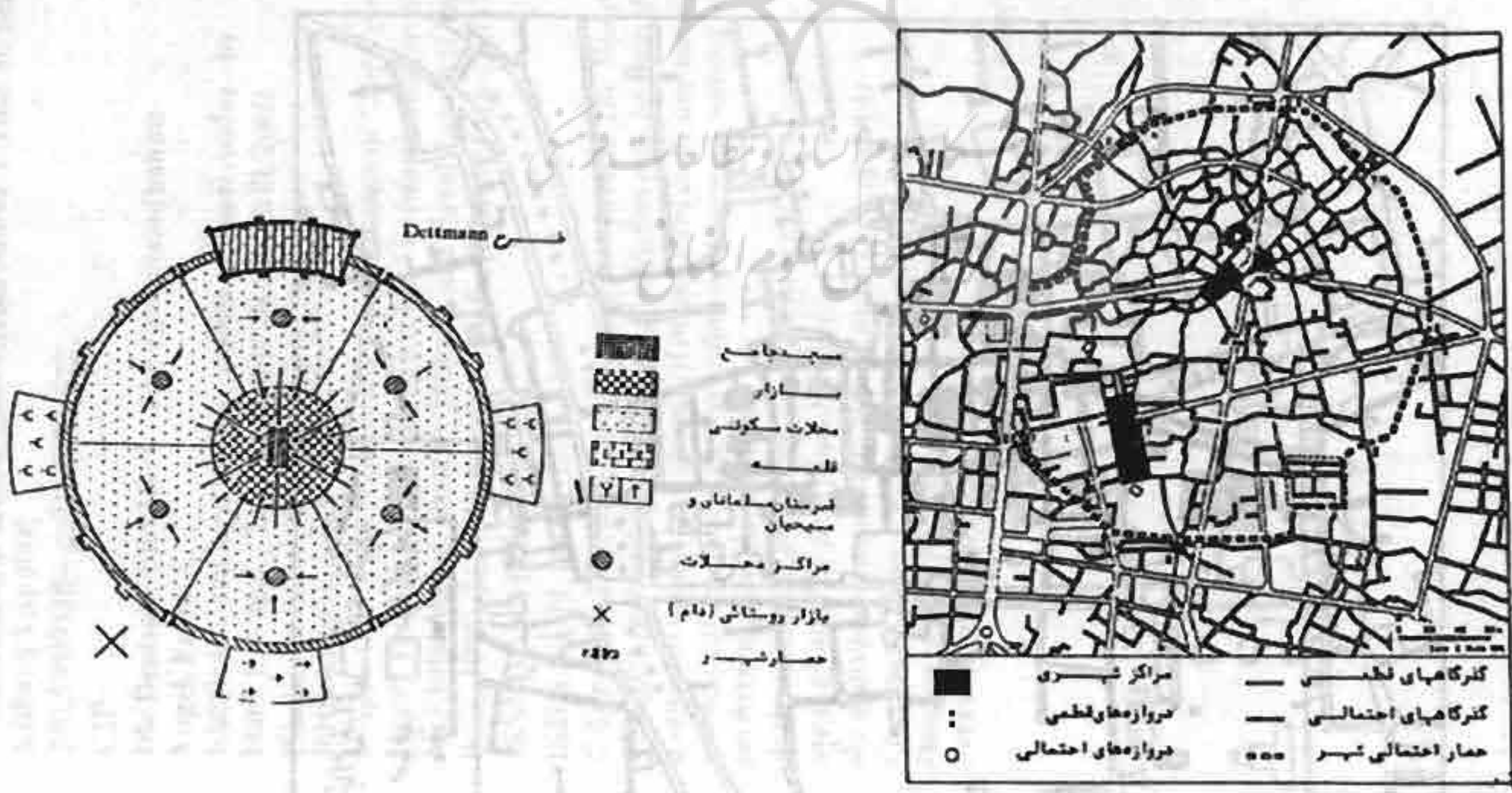
شبکه‌های بازار که در حقیقت معابر عمومی مردم‌اند، گاهی به صورت محل نمایش کالاهای فروشی درآمده و در واقع سد معبر ایجاد می‌کنند. این عمل کم و بیش در بیشتر بازارهای منطقه اسلامی دیده می‌شود. حتی گاهی فروشندگان در کف بازار ایستاده و منتظر، فروش کالاها یا یافتن مشتری هستند. فروشندگان در بعضی از بازارها غیبت خود را با انداختن تور و چادر بر روی اجناس اعلام می‌کنند. خوشبختانه کالاها دست نخورده باقی می‌ماند، این وضع در بیشتر بازارهای شبه جزیره عربستان، مانند جده و کویت دیده می‌شود.

سفرنامه‌هایی که از قرون گذشته به یادگار مانده، نشان دهنده این حقیقت است که بیشتر بازارهای فعلی از نظر ساختاری و حرکات اقتصادی با بازارهای گذشته شباهت کلی دارد و می‌توان گفت که نسبت به دیگر بخشهای شهری نفوذ تمدن و فرهنگ غربی در آنها کمتر بوده است.





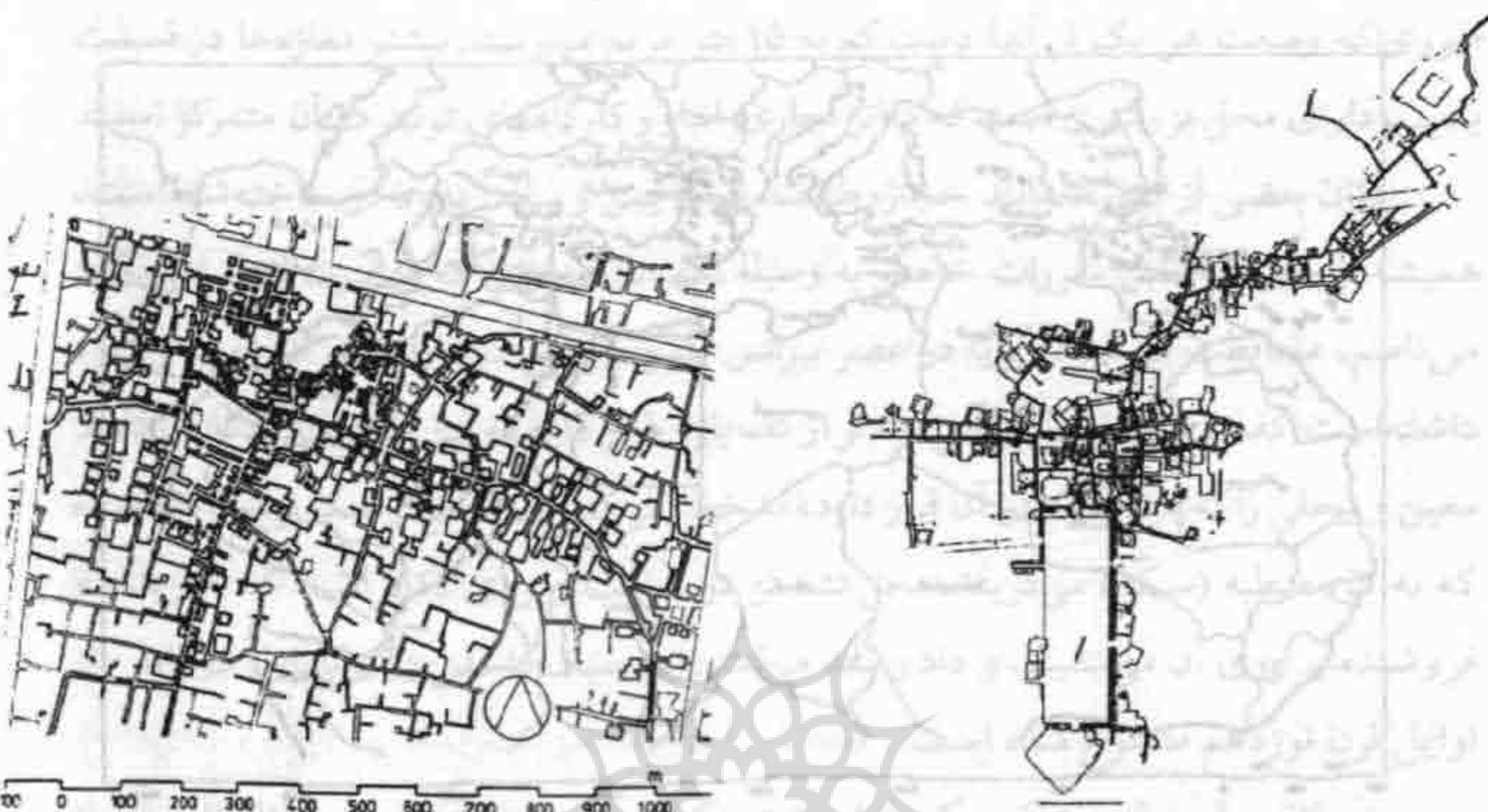
نقشه شماره ۱: شهرهای منطقه مورد مطالعه سرزمینهای اسلامی



نمودار شماره ۱: طرح یک شهر اسلامی - شرقی (ازدتمان)

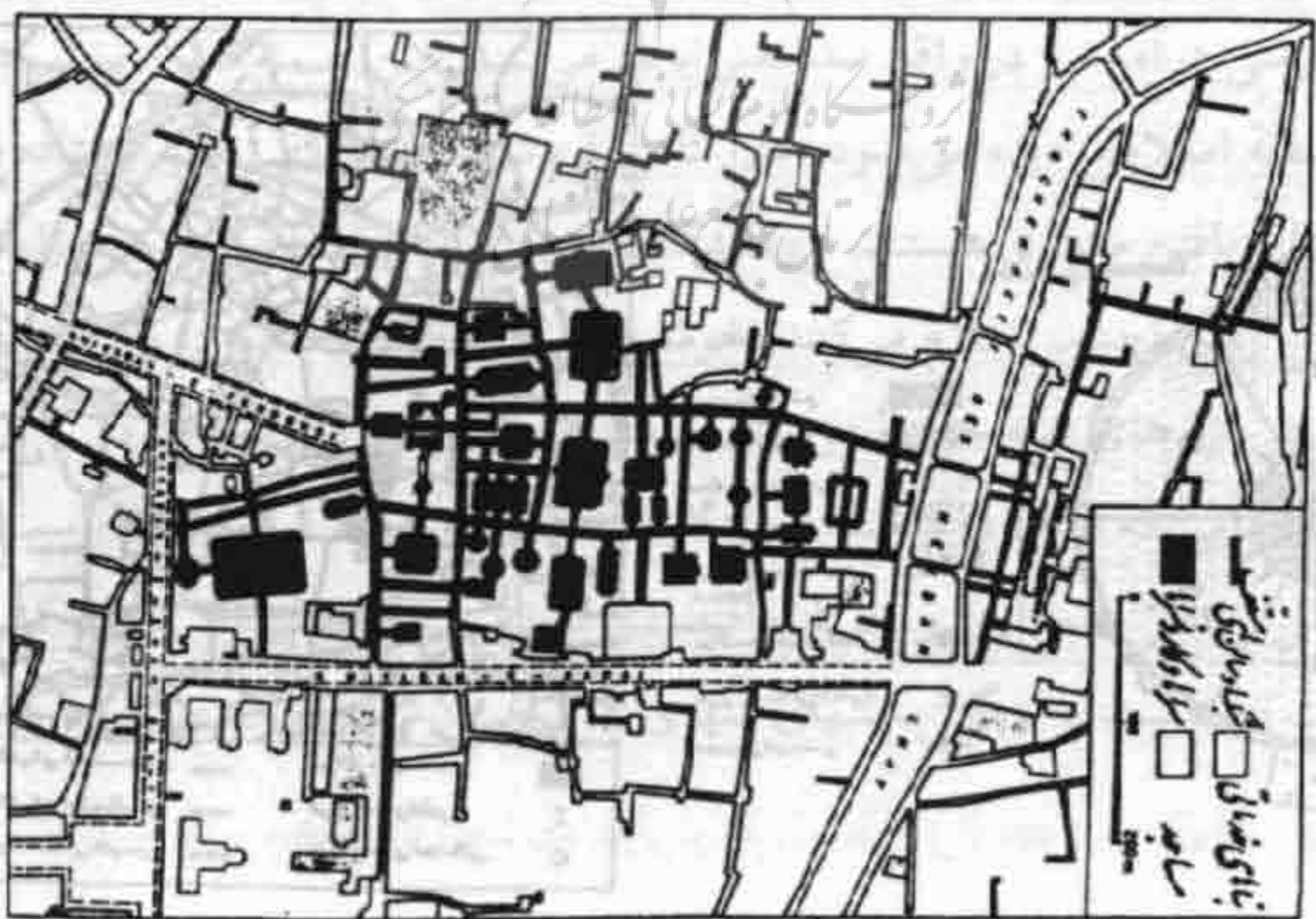
نقشه شماره ۲: شهر و بازار اصفهان در قرن ۱۷ میلادی





نقشه شماره ۴: بازار تهران

نقشه شماره ۳: بازار اصفهان



نقشه شماره ۵: بازار تبریز



## منابع و مآخذ

- ۱- برهان قاطع، یا تصحیح دکتر محمد معین، جلد اول، ص ۲۱۸.
- ۲- بنه ولو، لئوناردو، «تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی)» ترجمه پروانه موحد، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۷، ۱۳۶۹.
- ۳- دار مستتر، جمس، تبعات ایرانی، جلد ۲، ص ۱۳۱-۱۲۹.
- ۴- سعیدی رضوانی، عباس، «پیش‌اسلامی و جغرافیای شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴، ۱۳۶۷، ص ۱۶۵.
- ۵- سلطان‌زاده، حسین، «شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران»، ۱۳۶۲، ص ۱۲۶.
- ۶- شفقی، سیروس، جغرافیای اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۳، ص ۱۶ (نقشه ناهمواریهای شهر اصفهان).
- ۷- شفقی، سیروس، «جغرافیای شهری ایران»، (جزوه درسی)، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۵، ص ۵۲.
- ۸- شکویی، حسین، «جغرافیای شهری»، بخش نخست، انتشارات تبریز، ۱۳۲۹، ص ۲۰۲.
- 9- Dettman. K, "Islamische und westliche Elemente in heutigen Damaskus" *GR*, PP. 64 - 68, 1969.
- 10- Gaube. H. and Wirth. E., "*Der Bazar von Esfahan*" PP.49-59, 68, 1978.
- 11- Marcals. G., "Considerations sur les villes Musulmanes et notamment sur le role du mohtasib", in *Recueils de la societe Jean Bodin*, PP. 249-262, 1954.
- 12- Schafaghi. S., *Die stadt Tabriz und Ihr Hinterland*, Diss. Universitat Koln, 1965, S. 95.
- 13- Scharabi. M., *Der Bazar, des traditionelle stadt Zentrum in Nahen Osten und seine Handelseinrichtungen*, 1985, Tubingen.
- 14- Schweizer. G., "Tabriz und der Tabrizer Bazar", in, *Erdkunde*, PP. 32 - 46, 1972.
- 15- Seger. M., "*Tehran stadtgeographische studie*", wein, New York, Karte, der Bazar von Tehran, 1978.
- 16- Wilson. S. G, "*Persian life and Custorn*", London, 1899.
- 17- Wirth. E., "Strukturwandlungen und Entwicklungstendenzen der orientalischen Stadt", *Erdkunde* PP. 101 - 128, 1968.